

زندگی پرماجراہی رضا شاہ

مؤلفان

زہرہ شیشہ چی - علی اصغر طاہری



بخش بین المللی کتاب راونیز

کد پستی - ایران - تهران ۱۴۱۷۳-۱۱۶۶۶

۰۹۳۶۲۵۸۴۴۱۰ - ۰۹۳۰۲۴۳۴۵۰۹ - ۰۹۱۲۷۰۰۸۶۰۹

ایمیل: ravniz_publish@yahoo.com

- نام کتاب: زندگی پرماجرایی رضا شاه
- نویسنده: زهره شیشه چی، علی اصغر طاهری
- مشاور طرح: بخش راونیز
- چاپ، صحافی: چاپخانه فرشیوه
- لیتوگرافی: رایید گرافیک
- چاپ اول: ۱۳۹۴
- قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۸-۷۷-۸

سرشناسه	: شیشه چی، زهره - طاهری، علی اصغر
عنوان و نام پدیدآور	: زندگی پرماجرایی رضاشاه، زهره شیشه چی، علی اصغر طاهری.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات داریوش، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۴۰۸ ص.: مصور
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۸-۷۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۳
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
رده بندی کنگره	: VDSR ۱۱۰۷ ۱۳۹۴ ۱۶۳/۳۵۹/ف
رده بندی دیویی	: ۰۸۹۱۰۶۳/۶۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۷۱۶۴۲

* راونیز یکی از شهرهای دوره هخامنشی در استان خراسان شمالی است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۸
تولد- کودکی و نوجوانی	۲۱
تولد.....	۲۳
حیات مجدد رضاخان.....	۲۳
تربیت رضا زیر دست ناپدری.....	۲۷
القاب.....	۲۸
رضاخان و نظامی گری.....	۲۹
برینگاد قزاق	۳۳
واژه قزاق.....	۳۸
قزاقان ایران.....	۳۹
تاریخچه تشکیل برینگاد قزاق در منابع فارسی.....	۴۰
تاریخچه تشکیل برینگاد قزاق در منابع روسی.....	۴۰
تشکیل برینگاد قزاق.....	۴۱
حقوق افسران قزاق.....	۴۴
اعتراض انگلستان به تاسیس برینگاد قزاق در ایران.....	۴۵

عملکرد قزاق ها در ایران.....	۴۶
شرکت در کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹.....	۴۸
قزاق سرکش ؛ محافظ سفارت خانه ها.....	۵۲
رضاخان مأمور حفاظت از دشمن مشروطه می شود.....	۵۳
سیر رشد رضا شصت تیر.....	۵۳

کودتای ۱۲۹۹.....

چگونگی به قدرت رسیدن رضاخان در کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹.....	۶۱
راز مرموز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان.....	۶۶
جنگ جهانی اول.....	۶۶
کودتای انگلیسی «کلرزه»؛ اولین کودتای مؤسس سلسله پهلوی.....	۷۰
مأموریت ویژه آبرونساید انگلیسی برای کودتای رضاخان.....	۷۱
سیاست جهانی و قدرت گیری رضاخان.....	۷۴
*نکاتی در مورد کودتای ۱۲۹۹.....	۸۱

روزشمار سردار سپه (رضاخان) از کودتای ۱۲۹۹ تا نخست وزیری.....

انتقال قدرت از قاجاریه به پهلوی.....	۹۵
«چرا حکومت قاجار فرو پاشید و پهلوی اول به قدرت رسید؟».....	۹۷
عوامل سقوط قاجاریه.....	۹۸
عوامل داخلی.....	۱۰۲
عوامل مساعد در ظهور قدرت پهلوی اول.....	۱۱۰

نخست وزیری و جمهوری خواهی.....

پیروزی کودتا.....	۱۲۴
-------------------	-----

تاجگذاری رضا شاه.....

از روایت همسر کارمند وزارت خارجه انگلیس تا روایت دولت آبادی.....	۱۲۹
باشکوه جلوه دادن تاجگذاری به روایت حسین مکی.....	۱۳۱

- اختلاف ها و تفاوت نگاه یحیی دولت‌آبادی و عباس میلانی درباره مراسم تاجگذاری ۱۳۲
- مراسم تاجگذاری و نگاهی موشکافانه به پشت صحنه رژیم پهلوی ۱۳۳
- ماجرای رضاخان و بلیط نمایش ۱۳۴

سلطنت رضا شاه ۱۳۷

- سالهای اول سلطنت ۱۴۰
- دیکتاتوری ۱۴۱

سیاست داخلی رضا شاه ۱۴۵

- هویت‌سازی ملی در دوره پهلوی اول ۱۵۱
- نوسازی در عصر پهلوی ۱۵۳
- دولت مطلقه، تجدد و هویت‌سازی ملی ۱۵۶
- فرآیند شکل‌گیری دولت مدرن ۱۵۸
- ایجاد جامعه‌ای شبه غربی و مدرنیسم ۱۶۱
- پهلویسم (ایران‌گرایی و شاه پرستی) ۱۶۴

سیاست مذهبی رضا شاه ۱۶۹

- زمینه‌های ستیز رضاشاه با اسلام و روحانیت ۱۷۶
- رویارویی رضاشاه با روحانیت و اسلام ۱۷۷
- مرجعیت در دوره اسلام‌زدائی رضاشاه ۱۸۱
- چگونگی شهادت مرحوم شهید مدرس توسط عمال رضا خان ۱۸۷
- کشف حجاب به فرمان رضاخان ۱۹۰
- واقعه گوهرشاد ؛ قیام برای حفظ عفاف و حجاب ۱۹۵
- گزارش یک شاهد از واقعه گوهرشاد ۱۹۷

روابط خارجی ایران در دوره رضاشاه ۲۰۳

- روابط ایران و آلمان ۲۰۴
- علل روابط ایران و آلمان ۲۰۶
- توجه آلمان به ایران ۲۰۷

۲۰۹		علل روابط ایران و آلمان
۲۰۹		مراحل روابط ایران و آلمان
۲۱۴		توسعه ارتباطات و مناسبات اقتصادی
۲۱۹		ایران و آمریکا
۲۲۴		ایران و مصر
۲۲۸		علل ازدواج
۲۳۴		ایران و ترکیه
۲۴۳		نتیجه‌گیری
۲۴۶		چگونگی تصویب طرح راه آهن و ساخت آن
۲۴۷		ویژگی‌های لازم برای تأسیس راه‌آهن
۲۴۸		ترتیب احداث راه آهن از طریق این مسیر
۲۴۹		خصلت نظامی در راه آهن
۲۵۰		مخالفت دکتر مصدق با تأسیس راه‌آهن
۲۵۲		تأسیس راه‌آهن شمال جنوب؛ آرزوی دیرینه‌ی انگلستان
۲۵۳		هدف اصلی انگلستان از تأسیس این خط‌آهن
۲۵۴		اعتراف محمدرضا پهلوی
۲۵۶		از دست رفتن اراضی ایران در قبال هیچ!
۲۵۶		ایران و عراق
۲۵۸		وابستگی رضاخان به بیگانگان از دیدگاه امام خمینی (ره)
۲۵۸		نخستین برخورد امام با دولت رضاخان
۲۶۱		زندگی خصوصی رضاخان
۲۶۳		زن‌ان رضا خان
۲۶۳		مریم سواد کوهی
۲۶۴		صفیه همدانی
۲۶۵		توران امیرسلیمانی
۲۶۶		غلامرضا پهلوی

۲۶۷	عصمت‌الملوک دولت‌شاهی
۲۶۸	عبدالرضا پهلوی
۲۶۹	احمد رضا پهلوی
۲۷۰	محمود رضا پهلوی
۲۷۱	فاطمه پهلوی
۲۷۳	حمید رضا پهلوی
۲۷۴	تاج‌الملوک
۲۷۴	از دواج با رضاخان
۲۷۴	در دوران پادشاهی
۲۷۵	بعد از رضا شاه
۲۷۶	مرگ
۲۷۶	علیرضا پهلوی
۲۷۸	شمس (خدیجه) پهلوی
۲۷۹	اشرف پهلوی
۲۸۷	محمد رضا پهلوی
۲۹۰	نوجوانی و سفر به سوئیس
۲۹۳	بازگشت به ایران و ورود به دانشکده افسری
۲۹۴	رسیدن به سلطنت
۲۹۵	خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست
۳۰۲	نخستین دیدار با ولیعهد
۳۰۴	استعداد ولیعهد
۳۰۵	تحصیل در سوئیس
۳۰۷	زنان محمد رضا
۳۰۷	فوزیه
۳۱۰	ثریا اسفندیاری
۳۱۹	فرح دیبا
۳۲۵	فرزندان

۳۲۵	 رضا پهلوی
۳۲۸	 لیلا پهلوی
۳۲۹	 علیرضا پهلوی
۳۳۱	 فرزند
۳۳۱	 فرحناز پهلوی
۳۳۲	 خصوصیات اخلاقی محمد رضا
۳۳۵	 خصوصیات اخلاقی رضا شاه
۳۳۵	 شرارت و شراب‌خواری رضاخان
۳۳۵	 خودکامگی
۳۳۶	 ماجرای وحشی‌گری‌های رضاقلدر
۳۳۷	 کتک زدن روزنامه‌چی‌ها
۳۳۸	 خشونت حتی در مواقع شادی
۳۴۴	 دارایی و ثروت
۳۴۴	 دانش و مطالعات
۳۴۶	 زنان
۳۴۷	 پارانویا

۳۴۹ **رضاشاه از دیدگاه دیگران**

۳۵۹	 دیدگاه امام (ره) درباره رضاخان و کودتای اسفند ۱۲۹۹
۳۶۰	 وابستگی رضاخان به بیگانگان از دیدگاه امام خمینی (ره)
۳۶۱	 دیدگاه امام (ره) در مورد سیاستهای فرهنگی رضاخان
۳۶۲	 عدم مشروعیت پهلوی به دلیل برقراری نظام کودتایی و سرنیزه
۳۶۶	 عصر رضاشاه در اسناد وزارت امور خارجه آمریکا
۳۸۱	 انتقاد از رضا شاه در مطبوعات فرانسوی

۳۸۳ **تبعید و مرگ رضا شاه**

۳۹۱	 منابع
-----	-------------

پیشگفتار

جسارت رضاخان در امور نظامی باعث می‌شود به صورت تدریجی در میان همقطاران خود رشد کند. رضاخان سواد زیادی نداشت اما به دلیل زندگی میان مردم نسبت به جامعه ایرانی آگاه بود.

ایمان ملکا: گویی تمام شادی‌ها و موفقیت‌های دودمان پهلوی در زمستان رقم خورده و بحران‌ها و مشکلات آن‌ها در تابستان بیشتر جلوه‌گر شده است. رضاخان در اسفند ماه کودتا و در آبان ماه تاج‌گذاری کرد. در شهریورماه هم از سلطنت خلع شد و به تبعید رفت. به بهانه نهم آبان ماه سالگرد تصویب انقراض حکومت قاجاریه توسط مجلس و آغاز دیکتاتوری رضاخان در سال ۱۳۰۴ بر آن هستیم تا به بررسی شخصیت و عملکرد رضاخان بپردازیم.

در مورد رضاخان روایت‌ها و قضاوت‌ها بسیار متنوع و متفاوت است. چه این‌که این تنوع برداشت‌ها طبیعت هر جامعه انسانی است. بخصوص در کشوری مانند ایران که مردم جامعه همواره در معرض تصمیم‌گیری ناگهانی حکومت‌های خود در طول تاریخ بوده‌اند و دنباله‌ای از رفت و آمد رجال و دودمان‌ها را آن هم به صورت خشن دیده‌اند. در نتیجه در تاریخ ایران توالی دوره‌های امنیت با سلسله‌ای از دوران ناامنی همراه شده است. هر کس

که با غلبه بر دیگران در ایران به قدرت می‌رسید، از سوی قضاوت عمومی صاحب فره ایزدی و نماینده وجدان پیروز عمومی تلقی می‌شد، هرگاه هم که از سریر قدرت به زیر کشیده می‌شد، کلاه‌ها به احترام فرمانروای بعدی از سر برداشته می‌شد.

طبیعی است که در دوران گذار که عموماً با ناامنی همراه بوده است، افرادی که از خود جسارت و توان مدیریت بیشتری نشان می‌دادند، با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شدند و به دنبالش فره ایزدی را نیز با خویش همراه می‌ساختند. به تعبیر قدیمی، این شاهین اقبال بر دوش هر کس می‌نشست، او صاحب تفوق بر دیگران نیز می‌شد.

گذار از سلسله قاجار به دودمان پهلوی البته تفاوت‌های بیشتری با انتقال قدرت در زمان‌های پیشین داشت. در اثر انقلاب مشروطه و پیشرفت‌های گسترده علمی و اندیشه‌ای در غرب، ایران نیز به صورت ناقص صاحب حکومتی مشروطه و نهادهایی مرتبط با این نوع حکومت شده بود. به دلیل سابقه طولانی حکومت مطلقه در کشور طبیعی بود که این تغییر و تحول اساسی به عنوان بدعتی تاریخی در میان مردم تلقی گردد. به این معنا که در ناخودآگاه جمعی مردم هنوز حال و هوای حکومت یک مستبد بر آن‌ها به چشم می‌خورد.

در خود غرب هم گذار به دموکراسی و عبور از سلطنت‌های مطلقه به مشروطه با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بود و دموکراسی آسان به دست نیامد، اما این تغییر و تبدیل در همه جای دنیا چهره یکسانی نداشت. در جوامع شرقی و بخصوص در ایران، سابقه‌ای بر این کار مترتب نبود و زمان زیادی نیاز بود تا فرهنگ و اخلاق دموکراسی در جامعه ایران نهادینه شود.

در نتیجه بعد از سپری کردن دوران استبداد صغیر در زمان محمدعلی شاه و تبعید او، اختلافات میان طیف‌های مختلف مشروطه‌خواه بالا گرفت. اختلاف میان نخبگان

ناخودآگاه وارد جامعه نیز می‌شد و توده‌ها را متأثر می‌ساخت. رخ دادن جنگ جهانی اول نیز مزید بر علت شد تا بحران‌های اجتماعی و اقتصادی نیز به بحران سیاسی دوران گذار اضافه شود. احمد شاه قاجار که در ستین طفولیت به قدرت رسیده بود، هنوز آن‌چنان در باغ حکومت کردن و فهم مناسبات جهان پیرامون نبود و کم‌کم داشت دوران کارآموزی در عرصه سیاست را طی می‌کرد. برخی از بازماندگان رژیم قاجار نیز که به هر دلیل با مشروطه‌خواهان هم‌آواز شده بودند، بیشتر سودای منافع شخصی و حفظ آن‌ها را داشتند. آن‌ها که عموماً جزو مالکان زمیندار بودند، نظام ملوک‌الطوایفی و تیول‌داری خاص خود را در سراسر کشور گسترانیده بودند. طیف رادیکال‌تر مشروطه‌خواه که بسیاری از آن‌ها تحصیل‌کرده بوده و عموماً نیم‌نگاهی به تجربه غرب داشتند در مقابل محافظه‌کاران قد علم کرده بودند. این حال و هوا و گسترش ناامنی در سراسر کشور باعث شده بود بدنه مردم تا حد زیادی از دغدغه‌های اولیه مشروطه‌طلبان فاصله بگیرد. آن‌ها در وهله اول به نان شب و امنیت محتاج بودند تا در سایه آن بتوانند سایر مطالبات خود را پیگیری کنند.

از سوی دیگر انقلاب بلشویکی در روسیه رخ داد و با تغییر موازنه جنگ عملاً در فرصتی کوتاه جنگ جهانی اول به پایان رسید. روس‌ها و انگلیسی‌ها که در قرارداد ۱۹۰۷ توافق کرده بودند ایران را به صورت دو نیمه تحت‌الحمایه و یک منطقه بیطرف تقسیم کنند، از شمال و جنوب به ایران یورش بردند. روس‌ها تا نزدیکی تهران نیز آمدند و صدای شکسته شدن استخوان‌های قاجاریه به گوش رسید، اما به سرانجام نرسید. دولت عثمانی نیز به مرزهای غربی ایران در منطقه آذربایجان غربی هجوم آورد و تعداد زیادی از ایرانیان را کشت. طی دوره ۱۹۱۷-۱۹۱۹ به روایت محمدقلی مجد بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۲۰ میلیونی ایران یعنی چیزی حدود ۴۰ درصد در اثر قحطی یا بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه از بین رفتند.

این موضوع دلیلی نداشت جز این که مایحتاج مردم توسط ارتش بریتانیا و روسیه مورد چپاول قرار می‌گرفت.

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، عملاً بریتانیا یکه‌تاز عرصه ایران شد. با پایان جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی، بریتانیایی‌ها با همکاری فرانسوی‌ها نقشه خاورمیانه جدید را پیاده کردند.

قرار بود ایران در این استراتژی کلان، همچنان نقش حائل میان روسیه و آب‌های آزاد و نیز هندوستان را بازی کند.

پریپدا بود که پادشاه قاجاریه دیگر توان لازم برای حفظ انسجام موردنظر بریتانیایی‌ها در این نقشه را ندارد. شوروی نیز درگیر مسائل داخلی خودش بود. بنابراین با طراحی لرد کرزن قرارداد ۱۹۱۹ به نخست وزیر ایران، وثوق‌الدوله پیشنهاد شد تا ایران عملاً تحت‌الحمایه انگلستان قرار گیرد. تنها شانس ایرانیان این بود که شاه قاجار در نهایت ناباوری این قرارداد را امضا نکرد و شاید از همین روز پرونده رفتن او نزد بریتانیایی‌ها گشوده شد.

نزدیک‌ترین رجال سیاسی ایران به بریتانیایی‌ها سیدضیاءالدین طباطبایی بود. خاندان فرمانفرما هم که به خاطر بدنامی فرزند ارشد یعنی نصرت‌الدوله در جریان قرارداد فوق‌الذکر در صحنه عمومی آفتابی نمی‌شد. کودتا نیز توسط ژنرال آیرون ساید طراحی شد. نیروی نظامی لازم برای انجام کودتا نیز قزاق‌ها شناخته شدند. قزاق‌ها که به عنوان بازوی نظامی روسیه تزاری در ایران عمل می‌کردند پس از سقوط روماتف‌ها و انقلاب کمونیستی بی‌سر شده بودند. انگلیسی‌ها با توافق سرداران این نیروی نظامی آن‌ها را در اختیار خود قرار دادند.

طرفه آن که قزاق‌ها هم دل خوشی از قاجاریه نداشتند و برای براندازی آن‌ها هم‌آواز شده بودند.

رضاخان که به دلیل مهارت در کار با اسلحه به رضا ماکسیم معروف بود از اینجا وارد تاریخ معاصر می‌شود.

جسارت رضاخان در امور نظامی باعث می‌شود به صورت تدریجی در میان همقطاران خود رشد کند. رضاخان سواد زیادی نداشت اما به دلیل زندگی میان مردم نسبت به جامعه ایرانی آگاه بود.

مقدمه

رضا پهلوی (زاده ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ آلاشت مازندران و درگذشته ۴ مرداد ۱۳۲۳ ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی) معروف به لقب‌های رضاخان، رضاخان میرپنج، رضاخان سردار سپه و پس از آن رضاشاه، نخست وزیر ایران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ و پادشاه ایران از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی و بنیانگذار دودمان پهلوی بود. پادشاهی رضاشاه پایان فرمانروایی قاجاریان و آغاز دوران نظام پهلوی بود.

او در آلاشت سواد کوه به دنیا آمد. وی دوران خردسالی را در فقر گذراند. از نوجوانی به نظام پیوست و مدارج ترقی را پیمود. در کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان تهران را اشغال کردند.

رضاخان ابتدا در مقام وزیر جنگ، بسیاری از ناآرامی‌ها و راهزنی‌ها را از بین برد. در ۳ آبان ۱۳۰۲ رضاخان با فرمان احمدشاه قاجار به نخست‌وزیری منصوب شد و ابتدا تلاشی در جهت جمهوری‌خواهی کرد. ولی در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی رسید. وی سرانجام در سال ۱۳۲۰، پس از اشغال ایران به دست متفقین، تحت فشار بریتانیا مجبور به ترک سلطنت گردید و سه سال بعد در شهر ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی درگذشت.

پادشاهی رضاشاه شاهد ایجاد نظم نوین بود. او برای تضمین قدرت مطلق خود، روزنامه‌های مستقل را بست، مصونیت پارلمانی را از نمایندگان گرفت و احزاب سیاسی را از بین برد. او با تبدیل مجلس به نهادی مطیع و تشریفاتی توانست وزرای دلخواه خود را تعیین کند. به علاوه وی با پشتیبانی دربار به مصادره زمین‌های حاصل خیز مازندران پرداخت و به زودی به ثروتمندترین مرد ایران تبدیل شد. حزب تجدد که صادقانه از رضاشاه پشتیبانی کرده بود، نخست جای خود را به حزب ایران نو و سپس حزب ترقی (سازمانی به تقلید از حزب فاشیست بنیتو موسولینی و حزب جمهوری خواه مصطفی کمال آتاتورک) داد. ولی همین حزب ترقی نیز به زودی به گمان اینکه اندیشه‌های خطرناک جمهوری خواهانه دارد برچیده شد. او با به دست آوردن قدرت بلامنازع، اصلاحاتی اجتماعی را آغاز کرد. رضاشاه در دوران قدرت، اصلاحاتی انجام داد که هرچند قاعده‌مند نبود، نشان می‌دهد که وی خواهان ایرانی بود که از یک سو رها از نفوذ روحانیون، دسیسه بیگانگان، شورش عشایر و اختلافات قومی، و از سوی دیگر دارای مؤسسات آموزشی به سبک اروپا، زنان متجدد و شاغل در بیرون از خانه، ساختار اقتصادی نوین با کارخانه‌های دولتی، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های سرمایه‌گذار، و فروشگاه‌های زنجیره‌ای باشد. او برای رسیدن به هدفش (بازسازی ایران طبق تصویر غرب) دست به مذهب‌زدایی، برانداختن قبیله‌گرایی، گسترش ملی‌گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه‌داری دولتی زد.

رضاشاه در طول زندگی خود و حتی پس از آن به دلایل گوناگون به القاب مختلفی خوانده شده‌است. در جوانی به نام ناحیه‌ای که از آن برخاسته بود «رضا سوادکوهی» نامیده می‌شد. با ورود به نظامی‌گری به مناسبت استفاده از مسلسل ماکسیم به «رضا ماکسیم» و بعدها به «رضاخان» و سپس، با ذکر درجه نظامی‌اش، به «رضاخان میرپنج» شناخته شد. پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و به دست گرفتن وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا، او را «سردار سپه» می‌خواندند. پس از رسیدن به پادشاهی و گزیدن نام

خانوادگی پهلوی به «رضاشاه پهلوی» (پیش از این نام خانوادگی در ایران رایج نبود؛ رضاشاه نخستین بار استفاده از نام خانوادگی را اجباری کرد) شناخته شد. در سال ۱۳۲۸ با تصویب مجلس شورای ملی به او لقب «رضاشاه کبیر» داده شد.